

یک یادداشت دیگر

از پرونده‌ی قتل‌های بی.بی. در لوس آنجلس

نوشته‌ی: نیسیو ایسین
برگردان: مائده مرتضوی



مجموعه
خورشید



www.ketab.ir



آوند دانش

سرشناسه	نیشو، ایشین، ۱۹۸۱ م.
عنوان و نام پدیدآور	یک یادداشت دیگر: از پرونده‌ی قتل‌های بی. بی. در لوس آنجلس / نوشته‌ی: نیسیو ایشین؛ برگردان: مانده مرتضوی؛ ویراستار: زهرا رنجبر گل محمدی.
مشخصات نشر	تهران: آوند دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۱۴ ص. ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	978-600-8668-65-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	Death note
یادداشت	عنوان اصلی: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان «Death note: another note, the Los Angeles BB murder cases»
موضوع	به فارسی ترجمه شده است.
موضوع	داستان‌های کودکان (زاپنی)
موضوع	Children's stories, Japanese
شناسه افزوده	مرتضوی، مانده، ۱۳۴۳، مترجم
رده بندی کنگره	۸۹۵/۴۳۶
رده بندی دیویی	۵۲۸۵۸۴۰
شماره کتابشناسی ملی	



آوند دانش

یک یادداشت دیگر

از پرونده‌ی قتل‌های بی. بی. در
لوس آنجلس

نوشته‌ی: نیسیو ایشین
برگردان: مانده مرتضوی

ویراستار: زهرا رنجبر گل محمدی
سرمدیر: رامبد خانلری
طراحی گرافیک: استودیو حری

تاریخ انتشار: چاپ اول بهار ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: پرسیکا

نشانی: شهر: خیابان پاسداران، خیابان گل‌نی، خیابان ناطق
زنجانی، پلاک ۴
مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان جمالزاده، کوچه دعوتی،
شماره ۱۲ صندوق پستی: ۱۹۸۵۶۷۳
تلفن: ۲۲۸۹۳۹۹ نمایر: ۲۲۸۷۱۵۲۲
فروشگاه: خیابان جنوبی پارک قیطریه، خیابان شهاب،
پلاک ۲۵، کتاب‌فروشی آوند
تلفن: ۳۹۵۲۳۳

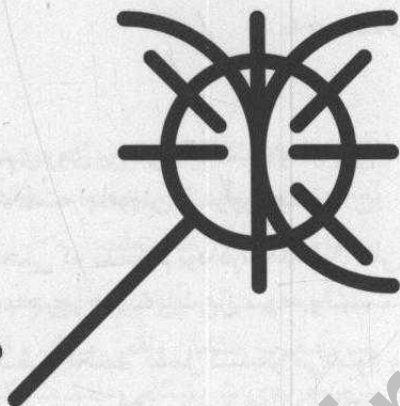
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۶۸-۶۵-۷
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.



فهرست

۱۱	 یادداشت مترجم
۱۳	 مقدمه
۱۹	 بخش اول: پیغام
۵۱	 بخش دوم: ریزاکسی
۸۳	 بخش سوم: مقابله
۱۱۳	 بخش چهارم: شینیگامی‌ها
۱۳۳	 بخش پنجم: ساعت
۱۶۳	 بخش ششم: شکست
۱۹۳	 بخش آخر
۲۱۱	 پس‌نوشت
۲۱۳	 توضیح مترجم



مقدمه

مقدمه، پیش درآمد یا هرچیز دیگری که اسمش هست! وقتی بی بی بی با بی بی سومش را هم به قتل رساند، فقط می خواست نظریه اش را امضا کند. می خواست بداند مرگ یک آدم فقط با خونریزی داخلی و بدون حتی یک خراش و بریدگی ممکن است یا نه؟! شیوهی کار او این طوری بود که اول به قربانی هایش دارو می داد تا کاملاً هوشیاری خود را از دست بدهند. بعد آن ها را می بست و به شدت روی دست و بازو یا اندام دیگری می کوبید اما مراقب بود که سطح پوست آسیبی پیدا نکند. در نهایت این عملیات به شکست مواجه شد. البته که خونریزی داخلی رخ می داد و سطح پوست قرمز متمایل به بنفش تغییر رنگ می داد. اما باعث مرگ قربانی نمی شد. شدت ضربات و آسیب وارده آن ها را تا سرحد تشنج می برد، اما در نهایت زنده می ماندند. بی بی فکر می کرد این شدت از خونریزی داخلی در نهایت به مرگ منتهی می شود، اما ظاهراً در محاسباتش اشتباه کرده بود. در نهایت چیزی که بی بی از آن نگران بود اتفاق افتاد و نتیجهی این آزمایش در خوشبینانه ترین حالت شد چیزی شبیه یک آزمون سرگرم کننده و مهیج.

اما این مسئله به هیچ وجه تأثیری روی بی. بی نگذاشت و درحالی که شانه‌اش را با بی تفاوتی بالا می‌انداخت، چاقویش را درآورد و ...

آه، نه، نه، نه، نه. باز هم آن لحنی که مدنظرم بود درنیامد. این لحن همدیانه برای گفتن همه‌ی ماجرا به هیچ وجه انتخاب من نبوده و نیست.

هیچ تلاش می‌کنم، برعکس، لحنم کسل‌کننده‌تر می‌شود و یادداشت‌هایم به کندی پیش می‌رود. بیشتر لحنی شبیه هولدن کالفیلد^۱ مدنظرم است. بی از مشهورترین چرندپردازهای ادبیات اینکه بی. بی دقیقاً به کار کرده و چه عقایدی داشته، به هیچ وجه مسئله‌ی من نیست. هرچند در شرایطی که الان دچارش هستم، عمیقاً با او احساس همدردی می‌کنم. سرخ، دقیق و توصیف جزءبه‌جزء قتل‌هایی که مرتکب شده، چیزی به ارزش این یادداشت‌ها اضافه نمی‌کند. این یادداشت‌ها نه صرفاً یک گزارش‌اند، نه تئوری شبیه یک رمان. اگر هم درنهایت شبیه چنین چیزهایی از آب دربیاید به هیچ وجه مرا خوشحال نخواهد کرد. از اینکه به چنین چیزهای پیش‌پاافتاده‌ای تبدیل بشود، متنفرم. اما این احتمال را می‌دهم که زمانی که این یادداشت‌ها خوانده می‌شود، من دیگر زنده نیستم.

قبل از همه‌ی این حرف‌ها، لازم است نبرد حواسی و واقت‌فرسای سرشناس‌ترین کارآگاه قرن حاضر یعنی ال^۲ را با قتل عجیب و غریب و تاحدی مضحک‌ش یعنی کایرا^۳ به همه‌ی خوانندگان این یادداشت‌ها یادآوری کنم.

آلت قتاله در این نبرد چیزی در حد گیوتین بود، اما شیوه‌ای که کایرا برای ارتکاب قتل به کار برد تاحد زیادی بچه‌گانه، پوچ و عاری از

۱. شخصیت معروف رمان ناتور دشت (The Catcher in the Rye) اثر جرود دویوسلینجر، م.

۲. L.: نام مستعار کارآگاه، م.

۳. یکی از کاراکترهای انیمیشن دفتر مرگ، م.

هرگونه خلاقیت بود. طوری که فرشته‌های شینینگامی^۱ احتمالاً با دیدن آن صحنه پوزخند زده‌اند. احتمالاً انتظار صحنه و نبرد خون‌بارتر و پرسوزوگدازتری را داشته‌اند.

شاید هم بتوان این اپیزود آخر را به‌عنوان درسی برای شناخت تفاوت بین قدرت خدایان واقعی مرگ و این جوجه‌قاتل‌های تازه سر از تخم بیرون آورده‌ی شینینگامی دانست. کسی چه می‌داند؟ من اصولاً وقتی برای بیرون کشیدن نقاط منفی اتفاقات ندارم.

کایرا را به دک. کسی که واسه من مهمه، ال است. ال. بزرگ‌ترین کاراگ، قرن باوجود توانایی‌های حیرت‌انگیز ذهنی که داشت، اما درنهایت مرگ باغ، لانه و ناپهنگام را تجربه کرد. در گزارش‌های عمومی که از او به ثبت رسیده، بالغ بر سه‌هزاروپانصد پرونده‌ی پیچیده‌ی جنایی را با موفقیت به‌انجام رسانده و همه‌ی این تبهکاران را تا سه‌بار راهی زندان کرده است. او قدرتمند، فسانه‌ای و وصف‌ناپذیری در اداره‌ی امور داشت طوری که می‌توانست از شرش کل دنیا را زیرنظر بگیرد. او برای تلاش‌های بی‌وقفه‌اش بارها تحسین شد. با همه‌ی این اوصاف، او هیچ‌وقت صورت خود را نشان نمی‌داد. نام می‌خواهد یادداشت‌های مربوط به ال تا حد ممکن دقیق باشند. می‌خواهد تماماً به دست کسی یا کسانی برسند تا شاید کسی بتواند با این یادداشت‌ها با پای او بگذارد. تنها کمکی که از من ساخته است همین یادداشت‌ها^۲ است که از خودم به‌جای می‌گذارم.

پس احتمالاً تا به حال فهمیده‌اید که در حال خواندن یادداشت‌های من درمورد ال هستید. این‌ها پیام‌هایی از یک انسان مرده هستند و اولین کسی که این یادداشت‌ها را پیدا می‌کند، احتمالاً اولین کسی است که آن‌ها را در دنیا منتشر خواهد کرد.

۱. از شخصیت‌های انیمیشن دفتر مرگ. م.

حالا که بحث انتشار و این حرف‌هاست در یادداشت‌هایم حرفی از سوزاندن و پاره کردنشان پس از مرگ نمی‌زنم. همین که کسی بتواند چیزهایی از ال بفهمد که تا به حال نمی‌دانسته برای من کافی است. امیدوارم این یادداشت‌ها حتی شده به طور اتفاقی به دست کایرا هم برسد و او هم این‌ها را بخواند. اگر هرکس با خواندن این یادداشت‌ها بتواند بفهمد که کایرا بدون کمک شینیگامی‌ها و دفترچه‌ی ماورایی > ووی اسامی مقتولان، هرگز قادر به انجام آن قتل نبود، احتمالا می‌فهمد که کایرا خاک پای ال هم نمی‌شود و هدف من هم از نوشتن این چیزها همین است.

من از محدود آدم‌هایی هستم که ال را با نام مرسومش یعنی همین ال ملاقات کرده‌ام. و چون ریشه‌اش از باارزش‌ترین خاطره‌های زندگی‌ام است که نمی‌خواهم این خاطره را بشوینم، اما همان‌جا بود که ال سه‌تا از شاهکارهایش را برایم تعریف کرد که پرونده‌قتل‌های لوس‌انجلس یکی از آن‌ها بود. قصد دارم این پرونده را برای شما کامل شرح دهم طوری که چیزی از قلم نیفتد و به گوش همه‌تان هم برسد. هنوز دلیل روشنی مبنی بر دخالت مستقیم ال و مهم‌تر از آن خانگی و امی جایی که تا پانزده سالگی آنجا زندگی می‌کردم در دسترس نیست، اما در واقع شواهد که نشان می‌دهد همین‌طور است، به خصوص در مورد ال معمولاً ال مسئولیت پرونده‌ای را قبول نمی‌کرد، مگر اینکه تعداد متولیان از ده بیشتر یا اینکه پای میلیون‌ها دلار وسط باشد و دلیل پذیرش این بار آنکه سه‌چهار قربانی بیشتر نداشت، دلیلی است بزرگ و مهم. دلیلی که در صفحات بعدی به آن اشاره خواهم کرد. و این همان چیزی است که این پرونده را برای من و ال و حتی برای کایرا تبدیل به یک رخداد عظیم و ماندگار کرد.

چرا؟ چون توی همین پرونده بود که ال برای اولین بار خودش را دیوژاکی معرفی کرد.

بهتر است که از توضیحات کسل‌کننده‌ی مربوط به بی. بی و عقایدش درمورد کشتن قربانی‌هایش که خود من هم هیچ علاقه‌ای به گفتنش ندارم، بگذریم و همین‌طور از قربانی‌های دوم و اول و درکل از خیر قربانی‌های بی. بی بگذریم و از روز و لحظه‌ی درخشان ورود ال به ماجرا و به‌دست‌گرفتن این پرونده شروع کنیم. آهان، راستی یک چیزی را فراموش کردم. به‌هرحال در برابر هرکسی که این یادداشت‌های مربوط به پرونده‌ی قتل را می‌خواند، باید رسم ادب و تواضع را به‌جا بیاورم و در آخر این پیش‌درآمد لازم می‌دانم که خودم را معرفی کنم. من راوی شما هستم. ما به‌ر بگیم هدایتگر شما یا چیزی مثل داستانگو. به‌هرحال بجز آن دو نفر، هریت واقعی من به‌هیچ‌وجه برای هیچ‌کس مهم نخواهد بود. من در رده‌بندی چهل و یک‌پانزده‌ساله‌ی طراحان، نفر دوم هستم، میخائیل کیل. پیش‌تر خودم را با نام ما معرفی می‌کردم، اما آن مال خیلی وقت پیش است. با آرزوی خاطراتی خفنی و شب‌هایی پر از کابوس.